

آیین هوربابا، بازمانده جشن‌های کهن هیرومبا و سده در میان ایرانیان مسلمان

محمد مشهدی نوش آبادی^۱

(دریافت: ۱۳۹۸/۶/۶ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲)

چکیده

شب نیمه ماه رمضان در نوش‌آباد، آیینی به نام «هوربابا» برگزار می‌شود که در آن کودکان به در منازل اهالی می‌روند و با خواندن اشعاری عامیانه، یکی از فرزندان صاحبخانه را دعا می‌کنند و هدیه می‌گیرند. نمونه این آیین در بسیاری از مناطق و استان‌های ایران از جمله ترکمن‌صحرا، یزد، کرمان، سیستان، بوشهر و خوزستان به چشم می‌خورد. همچنین، در میان زرتشتیان شریف‌آباد، جشن سه‌روزه مفصلی به نام «هیرومبا» شامل جمع‌آوری هیزم، آتش‌افروزی و خواندن اشعار از سوی کودکان و نوجوانان بر در خانه‌های اهالی و دریافت هدیه خوراکی برگزار می‌شود. هیرومبا در نام، ساختار کلی، اشعار، محتوای تولد و برکت‌بخشی با محوریت کودکان، مشابهت چشمگیری با هوربابا دارد. آتش نیز - که در جشن هیرومبا محوریت دارد - با توجه به مضمون شعری مشترک، گویا در هوربابا نیز معمول بوده است. به نظر می‌رسد آیین هوربابا - که هنوز در بسیاری از نقاط ایران برگزار می‌شود - بازمانده جشن کهن هیرومبا و سده است که اگرچه به مرور زمان کوچک و مهجور شده؛ اما در ساختاری اسلامی حفظ شده است. پژوهشگران هیرومبا را همان جشن سده و برگزاری آن را با خورشید و یزد ریثونین مربوط و آن را کهن می‌دانند. در این مقاله بر اساس مطالعات میدانی و اسنادی، ضمن معرفی

۱. استادیار ادیان و عرفان دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول).

* mnm5135@Kashanu.ac.ir

آیین هوربابا و نمونه‌های دیگر آن در ایران، عناصر مشترک آن با آیین هیرومبای زرتشتی و ریشه‌های اسطوره‌ای آن‌ها بررسی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: آیین‌های زرتشتی، هوربابا، هیرومبا، سده، نوش‌آباد.

۱. مقدمه

در بسیاری از شهرهای ایران در نیمه ماه رمضان صورت‌های آیینی مشابهی مشاهده می‌شود که بر اساس آن کودکان بر در خانه می‌روند و با خواندن اشعار عامیانه تقاضای پول یا هدیه‌ای خوراکی می‌کنند و صاحبخانه نیز آن‌ها را با دادن هدیه روانه خانه‌های دیگر می‌کند. معمول‌ترین نام برای این آیین در منطقه کاشان «هوم‌بابا» و در نوش‌آباد «هوربابا» است؛ اما در شهرها و مناطق دیگر ایران با نام‌های متنوعی مواجه می‌شویم؛ از جمله «گرگیغان» در استان خوزستان، «گری‌گشو» در استان بوشهر، «الله‌رمضونی» در یزد، «آلم تیرانی» در ساوه، «رموضونیکه» در سیستان، «یارمضان» در بین ترکمنان استان گلستان و جیرجیرونه در روستای برز نطنز. این آیین بین زرتشتیان شریف‌آباد نیز جزئی از مراسمی سه‌روزه است که به «هیرومبا» شهرت دارد.

آیین هوربابا اگرچه در نیمه ماه رمضان و به تقویم اسلامی برگزار می‌شود؛ اما درون‌مایه‌ای ایرانی دارد و مشابه آیین هیرومباست که صورتی دیگر از جشن سده است و در بین زرتشتیان شریف‌آباد اردکان برگزار می‌شود. این دو جشن که عنصر اصلی آن آتش‌افروزی است، با ایزدی کهن در فرهنگ ایران به نام ریثون در پیوند است که از قضا این ایزد نیز قابل تطبیق با نمونه‌های مشابه مانند اسطوره ایشتر و تموزی در ایران و آسیای غربی است. بدین ترتیب معلوم می‌شود آیین به نسبت ساده‌ای که امروزه کم‌رونق شده است، ردپای چند هزارساله در فرهنگ ایران دارد.

در این مقاله برآنیم تا ضمن معرفی آیین هوربابا و نمونه‌های دیگر آن در پهنه فرهنگ ایران‌زمین، عناصر مشترک آن با آیین هیرومبای زرتشتی را مقایسه و سپس ریشه‌های اسطوره‌ای این دو آیین را بررسی کنیم. بدین ترتیب مسئله اصلی مقاله این است که آیین هوربابا چیست و از کجا سرچشمه می‌گیرد. فرض اولیه ما بر این است که هوربابا آیین برکت‌بخش ایرانی است و اساس هوربابا همان هیرومبای زرتشتی و یا

آیین هوربابا، بازمانده جشن‌های کهن هیرومبا و سده در میان... محمد مشهدی نوش آبادی

صورتی از جشن سده است که به‌مرور زمان فربهی خود را از دست داده و در تقویم عامیانه اسلامی جا گرفته و ریشه‌های ایرانی خود را از دست داده است.

۲. پیشینه تحقیق

درباره آیین نیمه ماه رمضان یا هوربابا و صورت‌های دیگر آن، در برخی تک‌نگاره‌های مناطق مختلف ایران اطلاعاتی می‌توان یافت که از جمله آن‌ها کتاب میراث فرهنگی نطنز (اعظم واقفی، ۱۳۸۵: ۲۸۸، ۲۸۹، ۳۳) و کتاب نوش‌آباد در آیین تاریخی آثار تاریخی و فرهنگ (مشهدی نوش‌آبادی، ۱۳۷۸: ۹۲، ۹۳) است؛ اما یک منبع مهم در این باره، کتاب *رمضان در فرهنگ مردم* است (وکیلان، ۱۳۷۰: ۲۱۰ - ۲۱۶) که به هوربابا و آیین‌های مشابه در نقاط مختلف ایران پرداخته است و از این جهت یکی از مهم‌ترین منابع در این حوزه است. اطلاعات این کتاب مربوط به تحقیقات میدانی است که در دهه ۱۳۴۰ شمسی انجام شده است. همچنین، در این باره گزارش‌های خبرگزاری‌های رسمی نیز قابل توجه است؛ زیرا دربردارنده به‌روزترین و تازه‌ترین صورت برگزاری این آیین در نقاط مختلف ایران است.

درباره هیرومبا نیز باید به کتاب *از نوروز تا نوروز (نیکنام، ۱۳۸۲: ۱۰۴ - ۱۰۹)*، تحقیقات مهرداد قدردان - که بیشتر در پایگاه‌های اینترنتی زرتشتیان قابل دسترسی است - و همچنین، نوشته‌های هاشم رضی در کتاب *جشن‌های ایرانیان* اشاره کرد. مقاله مری بویس با عنوان «ریشوین، نوروز و جشن سده» (۱۳۹۳: ۱۷ - ۳۰) نیز در ارتباط با هیرومبا و اسطوره ریشوین، مهم و راهگشاست. همچنین، درباره جشن سده در *آثارالباقیه و التفهیم بیرونی و درباره ریشوین و آتش‌افروزی‌های مرتبط با آن در بندهش* اطلاعاتی به‌دست می‌آید.

۳. آیین‌های مشابه در دیگر نقاط جهان

الیاده (۱۳۷۲: ۳۰۰) در بحث از آیین‌های مربوط به رستنی‌ها و آغاز سال نو به جشنی مردمی در اروپا اشاره می‌کند که در آن پسران جوان به جنگل می‌روند و درخت جوانی را می‌برند، شاخ و برگ‌هایش را می‌زنند و تزئینش می‌کنند و سپس به روستا

بازمی‌گردند و با خواندن آوازی بدین مضمون که تابستان را به همراه آورده‌اند، خانه‌به‌خانه می‌روند و خواهان هدیه می‌شوند. همچنین، وی ضمن اشاره به شمار زیادی از آیین‌های مربوط به حاصلخیزی و رفتن زمستان و آمدن بهار که در بسیاری از آن‌ها سوزاندن درخت به معنای مرگ سال گذشته و تجدید حیات است، می‌افزاید: همه این تشریفات و مراسم با درخواست هدیه و عطیه پایان می‌گیرند. دسته‌هایی که با شاخ گل و یا حمل درخت به صورت دسته راه می‌افتند، نماینده مظاهر و صورت‌های حیات نباتی محسوب می‌شوند و از خانه‌ها عطایایی مانند پول و هدایایی همچون تخم مرغ، میوه‌های خشک و شیرینی‌ها سنتی می‌گیرند. بر حسب معمول کسانی که از دادن هدیه امتناع ورزند، به زبان شعر یا نثر نفرین می‌شوند که محصول خوبی برندارند، بوستانشان میوه ندهد و بوستانشان بخشکد؛ چون مردم باید در این ایام هزینه کنند تا مایه حیاتی کیهان، یعنی سبزه، رمه و محصول به‌نحوی جادویی ارتقا یابد. در واقع، دسته پیش از همه بهار را می‌بیند و آن را بشارت می‌دهد و محرک دیگران می‌شود (همان، ۲۹۶).

همچنین، شباهت‌هایی نیز بین آیین هوم‌بابا و شیوه‌های سنتی برگزاری جشن هالوین وجود دارد. هالوین یکی از جشن‌های سنتی مغرب‌زمین است که مراسم آن در شب ۳۱ اکتبر (نهم آبان) برگزار می‌شود. بسیاری از افراد در این شب لباس‌های عجیب و غیرمرسوم می‌پوشند و کودکان برای جمع‌آوری نبات و آجیل به در خانه دیگران می‌روند. جشن هالوین بیشتر در کشورهای انگلستان، ایرلند، اسکاتلند، امریکا و کانادا مرسوم است. این جشن را مهاجران ایرلندی و اسکاتلندی در سده نوزدهم با خود به قاره امریکا آوردند.

فریزر (۱۳۸۶: ۷۴۵ - ۷۴۹) ضمن اشاره به برگزاری جشن هالوین در ۳۱ اکتبر، آن را جشن سال نو می‌داند که سلت‌ها سال را با آن آغاز می‌کردند. از لوازم این جشن، آتش‌افروزی کودکان و صورت‌های گوناگون فال‌گیری به‌ویژه برای بخت‌گشایی دختران بوده است. همچنین، این جشن با بازگشت ارواح مردگان مصادف است، بدین منظور اشعاری را در کوی و برزن می‌خوانند. همچنین، آوازه‌خوانانی که دوره می‌افتادند، ترانه‌های خود را با این عبارت آغاز می‌کردند: «امشب شب سال نوست، هاگونا!».

آیین هوربابا، بازمانده جشن‌های کهن هیرومبا و سده در میان... محمد مشهدی نوش آبادی

چنان‌که پیداست نقش کودکان در این جشن، اخبار سال نو، رسیدن شب موعود، همچنین، آتش‌افروزی از وجوه مشترک این جشن با انواع مشابه ایرانی است.

۴. نمونه‌ای عینی؛ هوربابایی در نوش‌آباد

نوش‌آباد شهری تاریخی در منطقه کاشان است. هوربابایی آیینی است که از سوی کودکان نوش‌آبادی در شب‌های سیزدهم، چهاردهم و به‌ویژه پانزدهم ماه رمضان انجام می‌شود. در این شب بچه‌ها در دسته‌های چند نفری به در منازل اهالی می‌روند و سردسته یکی از فرزندان خانه را نام می‌برد و برایش اشعار عامیانه نیایش‌گونه‌ای می‌خواند و در پایان هر مصراع بقیه دسته این ندا را با «هوربابا» پاسخ می‌دهند:

امشب شب نیمه است که ما مهمانیم به در خانه ارباب جهان حیرانیم

(نام یکی از بچه‌های صاحب‌خانه) شما ییم نارنج دست شاهیم

پیوش پیوش نچایی از خُنه (خانه) در نیایی

مردم شما را می‌بینند از حسرت می‌میرند

ده تمنی‌های (تومان) درازی تو پش تقابای نطنزیه

یکی‌شادر آر و خرده کن نذر بچه‌های در خُنه کن

تا بچه‌ها راضی شوند از در خُنه راهی شوند

گاهی نیز به‌جای دو بیت آخر ابیات بعدی جایگزین می‌شود:

تباکو را گل نم کن آتش به سرش کم کن

تا ما بکشیم دودی آواره شویم زودی

(مشهدی نوش‌آبادی، ۱۳۷۸: ۹۲، ۹۳)

در گذشته معمولاً بچه‌های هر محل در یک گروه قرار می‌گرفتند و به خانه اعیان نوش‌آباد می‌رفتند و خوراکی‌هایی مثل آجیل و خشکبار دریافت می‌کرده‌اند؛ اما امروزه تعداد دسته‌ها زیاد است و به خانه همه اهالی می‌روند. دوره سنی هوربابایی زیاد نیست. سن که از ده سال گذشت، دیگر بچه‌ها به هوربابایی نمی‌روند، شاید به دلیل اینکه از گرفتن پول خجالت می‌کشند و یا دریافت مبلغ ناچیز حاصل از هوربابایی برای آن‌ها مقرون به‌صرفه نیست.

امروزه که شهر بزرگتر شده است، بچه‌ها در محدوده کوچه‌های اطراف خود در دسته‌های سه یا چهارنفره به هوربابایی می‌پردازند. با وجود اینکه هوربابایی مخصوص پسران است، اما در سال‌های اخیر دخترها هم برای خود دسته هوربابایی تشکیل می‌دهند و به در خانه‌ها می‌روند. خانواده‌ها هرکدام پانصد تومان تا هزار تومان به هر دسته می‌دهند. هر گروه در پایان هوربابایی حدود چند هزار تومان به دست می‌آورد، اگرچه این مبلغ ناچیز است؛ اما برای کودکان نوعی کاسبی همراه با هیجان است. همان چیزی که دلیل ماندگاری این آیین است. درواقع، کودکانی که زحمت هوربابایی را بر خود هموار می‌کنند، به هدیه نقدی ناچیزی که از خانه‌ها دریافت می‌کنند دل خوش کرده‌اند و الا احتمالاً از این آیین لطیف چیزی بر جای نمی‌ماند.

این آیین با اشعاری کم‌وبیش مشابه، در دیگر شهرها و آبادی‌های منطقه فرهنگی کاشان مانند شهر آران و بیدگل (هاشمی‌تبار، ۱۳۷۵: ۵۸، ۵۹؛ نیازی، ۱۳۸۷: ۷۴، ۷۵)، فین (اخوان، ۱۳۷۳: ۱۵۹)، لتحر (باقرزاده، ۱۳۹۰: ۲۳۲) و جوشقان قالی (زرگری، ۱۳۷۴: ۱۶۵) از توابع کاشان و ایبانه و برز از توابع نطنز (اعظم واقفی، ۱۳۸۵: ۲۸۸، ۲۸۹، ۳۳) نیز انجام می‌شده است؛ اما امروزه رونق نوش‌آباد را ندارد. به‌قصد اسلامی کردن اشعار هوربابایی، در چند دهه گذشته به‌ندرت سوره شمس نیز خوانده می‌شد، بدین ترتیب که سردهسته آیاتی از سوره شمس را می‌خواند و درپایان هر آیه، بقیه اعضای گروه حرف پایانی را با صدای بلند تکرار می‌کردند:

سرگروه:

«والشمس و ضحیها»

اعضای گروه:

«ها...ها...ها!»

اما به‌زودی این سبک خواندن از یادها رفت.

۵. نمونه‌هایی از آیین‌های مشابه در ایران

گستره برپایی آیین نیمه ماه رمضان در ایران وسیع است و از شمال شرق تا جنوب غرب ایران را دربر می‌گیرد و شامل برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس و به‌ویژه بحرین هم می‌شود (احمدی، ۱۳۹۴).

آیین هوربابا، بازمانده جشن‌های کهن هیرومبا و سده در میان... محمد مشهدی نوش آبادی

این آیین بیشتر در نیمه ماه رمضان و یا در سه شب سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم پس از افطار برگزار می‌شود. در یزد و شهرهای خراسان جنوبی در شب اول ماه رمضان، در ساوه از شب بیست‌وهفتم تا آخر ماه و در روستای بَرز نظنز در شب دهم رمضان برگزار می‌شود.

برخی به دلیل تلاقی این آیین با سالروز تولد امام حسن(ع)، هوربابایی را به آن مربوط می‌دانند؛ اما این امر بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا این آیین در بسیاری از مناطق در سه شب انجام می‌شود و یا در شب‌هایی غیر از نیمه ماه. از طرفی این آیین در مناطق سنی‌نشین - که آیین تولد ائمه شیعه را برگزار نمی‌کنند - نیز انجام می‌شود.

معمولاً کودکان، برگزارکننده اصلی هستند؛ اما در برخی نقاط، مردان (نیازی، ۱۳۸۷: ۷۴، ۷۵) و به‌طور کلی بزرگ‌ترها نیز مشارکت دارند. تعداد افراد گروه‌ها هم متغیر است. دو نفر نیز می‌توانند یک گروه تشکیل دهند؛ اما گروه‌ها معمولاً تعدادشان بیشتر از سه نفر است. به‌لحاظ جنسیتی این آیین بیشتر پسرانه است؛ اما در خیلی از مناطق دختران نیز در آن شرکت دارند.

خانه‌های میزبان کودکان معمولاً ویژگی خاصی ندارند؛ اما در بوشهر بیشتر به‌سراغ خانه‌هایی می‌روند که بچه کمتر از یک سال دارند (وکیلان، ۱۳۷۰: ۲۱۵، ۲۱۶) و در ساوه بیشتر به در خانه‌های جوانانی می‌روند که تازه عروسی کرده‌اند و یا نامزد دارند (همان، ۲۱۰).

هدایا در گذشته بیشتر آجیل بود؛ اما امروزه معمولاً پول نقد به بچه‌ها می‌دهند. در بوشهر هم مردم با تنقلات، آجیل و خشکبار، گندم برشته‌شده (در اصطلاح محلی: دنگ) و... از کودکان پذیرایی می‌کردند. در الله‌رمضونی یزد صاحبخانه‌ها هدایایی از قبیل پول و یا خوردنی‌هایی مثل گردو، کشمش، خرما، بادام، قیسی، هلو و زردآلوخشکه به بچه‌ها می‌دادند. معمولاً در مناطقی که آجیل و خشکبار و شیرینی هدیه می‌دهند، دسته با خود کیسه‌ای دارد که هدایا را در آن می‌ریزند.

۱-۵. یارمضان ترکمن صحرا

«یارمضان آیدیم لاریم» یا «یارمضان» درحقیقت، واگویه‌های عامیانه‌ای است که به مناسبت ماه مبارک رمضان از سوی گروه‌هایی در برخی مناطق ترکمن‌نشین استان گلستان در نیمه ماه رمضان (در شب چهاردهم) اجرا می‌شود.

جوانان، نوجوانان و کودکان ترکمن دسته‌هایی را تشکیل می‌دهند و به در خانه‌ها می‌روند و تجمع می‌کنند، سرخوان ابیاتی دعاگونه برای اهل خانه و فضیلت ماه رمضان به زبان ترکمنی می‌خواند و پس از پایان هر بند، دیگر اعضای گروه، یک‌صدا «آلآو» (که به نظر می‌رسد مخفف عبارت «الله‌هو» باشد) سر می‌دهند. ترجمه برخی از ابیات این است:

«در بهشت درختی دیدیم پر بار و پر ثمر

در این روستا خانه‌ای دیدیم اجاقش روشن

در آن خانه، زنی دیدیم سفیدروی و طفلی قن‌داق پیچ به بغل

خداایمان به شما پسری با کمربندی زرین عطا نماید

به حق رسول و امت رسول، یارمضان!»

(نوری کجوریان، ۱۳۸۹؛ نیز نک: نیازی، ۱۳۹۷)

۲-۵. الله‌رمضونی

الله‌رمضونی در بیشتر شهرها و آبادی‌های یزد^۲، مشهد، بیرجند، بجنورد، تربت‌جام و بعضی از شهرهای استان فارس و گرگان برگزار می‌شود. در شب اول ماه رمضان، جوانان و کودکان بعد از افطار در دسته‌های پنج تا ده نفری جمع می‌شوند و به در خانه‌های اهالی می‌روند و اشعار الله‌رمضونی می‌خوانند. صاحبخانه‌ها هدایایی از قبیل پول و یا خوردنی‌هایی مثل گردو، کشمش، خرما، بادام، قیسی، هلو و زردآلو خشکه به آن‌ها می‌دهند که در پایان، بین خود تقسیم می‌کنند (وکیلیان، ۱۳۷۰: ۲۱۱).

در فراتر از یزد، ابتدا سرگروه در مورد امام حسین^(ع) و سپس ماه رمضان اشعاری می‌خواند و بقیه جواب می‌دهند: «حق یا محمد»

«رمضو اومده با سی‌وسه سوار
چوب وردشته که تو روزه بدار»

آیین هوربابا، بازمانده جشن‌های کهن هیرومبا و سده در میان... محمد مشهدی نوش آبادی

سپس خطاب به صاحبخانه می‌خواند:

«آقای کدخدا در بالاخونه / کتاب لیلی و مجنون می‌خونه / ای سرا از کینه رو ورباده /
دو پسر دارن که نو دوماده / ای سرا از کنه خش خش می‌آیه / طبق نقره و کشمش
می‌آیه».

بعد از دریافت هدیه، گروه نیز در اشعاری دعا می‌کنند که صاحبخانه به مکه و کربلا
برود (همان، ۲۱۲). در الله‌رمضونی تربت‌جام هم اشعاری شبیه به اشعار فراشاه یزد
می‌خوانند (همان، ۲۱۳، ۲۱۴).

۵ - ۳. هوجان‌جان در بم و رفسنجان

در بم، رفسنجان و آبادی‌های نوق، کشکوئیه این مراسم به‌نام «علی جان جانی» نام دارد
به اعتبار پاسخی که بچه‌ها در جواب سردسته می‌دهند:

«مشهدی! کربلایی! حاجی یارا! یاری نما / بچه‌های محله را میهمانی نما / ... دو پسر
داری چو دُر حیدری / دُرها در گوش مانند پری / ما که می‌گردیم به دور فلک / ماتی
داریم به یک پول لُکو».

اگر صاحبخانه پول یا هدیه‌ای به بچه‌ها داد، او را دعا می‌کنند و گرنه او را با اشعاری
مسخره می‌کنند. درمقابل، صاحبخانه نیز سطل آبی بر سر آن‌ها می‌ریزد و بچه‌ها به در
خانه‌ای دیگر می‌روند. در پایان، خوراکی‌ها تقسیم می‌شود (همان، ۲۱۰، ۲۱۴، ۲۱۵).

۵ - ۴. رمضونیکه سیستان

در «رمضونیکه» سیستان، گروه‌های شش تا ده‌نفره‌ای از شب نیمه ماه رمضان تا شب
ضربت خوردن امیرالمؤمنین علی^(ع)، در ساعات اولیه شب، بر در منازل می‌روند و با
هم‌خوانی و هم‌نوایی، اشعاری در وصف ماه رمضان می‌خوانند؛ از آن جمله:

«رمضو آمده میمانش کُنه / گوو و گوساله ره قربانش کُنه / رمضو الله، الله رمضو /
رمضو الله خوشنوم خدا^۵». صاحبخانه نیز در حد وسع و توان خود گندم، حبوبات، پول،
میوه و برخی خانواده‌ها که توان مالی ندارند، کاسه‌ای آب به گروه هدیه می‌کنند
(راشکی قلعه نو، ۱۳۹۴).

۵ - ۵. گری گشو در استان بوشهر

در بندرهای بوشهر، گناوه، دیر، کنگان و شهرستان برازجان در شب نیمه ماه رمضان آیین «گری گشو» (گره گشا) برگزار می شود که در آن گروه هایی کودکان بیشتر به سراغ خانه هایی که بچه کمتر از یک سال دارند، می روند (وکیلان، ۱۳۷۰: ۲۱۵، ۲۱۶) و با خواندن اشعاری دعاگونه به زبان عربی و فارسی، طلب هدیه می کنند:

«گری گشو، دوکله بشو، سی فردشو / اعطونا من مالکم / اعطونا الله يعطیکم»

(احمدی، ۱۳۹۴)

۵ - ۶. گرگیان در استان خوزستان

آیین گرگیان همه ساله به مناسبت نیمه ماه رمضان در بسیاری از نقاط خوزستان برگزار می شد؛ اما امروزه از رونق آن کم شده است. در گرگیان کودکان و نوجوانان بعد از اذان مغرب به کوچه ها می روند و هرکدام دو سنگ در دست می گیرند و به هم می کوبند و در خانه ها را می زنند و شعرهایی می خوانند:

«قرقیعان و قرقیعان بین اقصیر و رمضان / انطونه حق الله یرضی علیکم الله / عطونا الله یعدیکم بیت مکه یودیکم».

همچنین، در شهرهای دیگر این اشعار سروده می شود: «ماجینه یا ما جینه حل الکیس و انظینا».

اگر اهالی خانه در پشت بام باشند، کودکان خطاب به آن ها می گویند: «یا اهل سطوح تنطونه لو نروح»^۹. صاحبخانه ها نیز شیرینی و شکلات های محلی در کیسه های کودکان می گذارند؛ اما مشهورترین شعر این است: «گرگیان و گرگیان، الله یعطیکم رضعان»^{۱۰}.

۶. هیرومبا

۶ - ۱. توصیف آیین

همه ساله زرتشتیان شریف آباد در پسین روز آرد از ماه فروردین ماه به پیر هریشت، یکی از زیارتگاه های زرتشتیان در اردکان یزد می روند. سپیده دم روز بعد، یعنی روز اشتادایزد، از خواب برمی خیزند، نیایش می کنند، سپس به بیابان های پیرامون پیر هریشت می روند و بوته های هیزم - که «غیزل» نامیده می شد - را گردآوری می کنند، جوان ترها

آیین هوربابا، بازمانده جشن‌های کهن هیرومبا و سده در میان... محمد مشهدی نوش آبادی

هیزم‌ها را می‌کنند و بزرگ‌ترها آن را روی هم می‌گذارند و محکم می‌بندند و بر پشت الاغ‌ها^{۱۱} می‌گذارند.^{۱۲}

در خیل‌های^{۱۳} اطراف زیارتگاه، همسران کسانی که به بیابان رفته‌اند، چشم‌به‌راه می‌مانند؛ سیرگ^{۱۴}، پشمک و ناشتا^{۱۵} آماده می‌کردند تا از آنان پذیرایی کنند. همچنین، شماری از مردهای خانواده نیز همراه با آنان در خیل‌ها می‌مانند تا خوراک نیم‌روز را، که آبگوشت است، بار بگذارند.

خیله جوانان خيله «غیزلی‌ها» نامیده می‌شود. پس از خوردن ناهار، افراد این خیل‌ها، جوان‌هایی که برای بار نخست به گروه غیزلی‌ها می‌پیوندند و همچنین، تازه‌دامادها و کسانی که تازه بچه‌دار شده‌اند، را چوب می‌زنند، خانواده آن‌ها برای جلوگیری از چوب زدن، باید با شربت از دیگران پذیرایی کنند. سپس همه به سمت ده راهی می‌شوند و بار هیزم را در محل آتش‌افروزی تلنبار می‌کنند.

نوجوانانی که به پیرهریشت نرفته بودند، به خانه‌های شریف‌آباد می‌روند و با خواندن این شعر برای برافروختن آتش هیرومبا تقاضای چوب می‌کنند:

شاخ، شاخ هرمنی (۲)

| | |
|----------------|-----------------|
| خدا مرادش بدهد | هر که شاخی بدهد |
| خدا مرادش ندهد | هر که شاخی ندهد |

چوب‌ها را که از خانه‌ها می‌گیرند، در شال مخصوصی می‌گذارند و به هیزم‌ها اضافه می‌کنند. هنگام غروب مردم به کنار هیزم‌های انباشته می‌روند. ده موبد و یا یکی از سال‌خوردگان، که صدای رسایی دارد، نام درگذشتگان آبادی را به زبان می‌آورد و طلب آمرزش می‌کند (نیکنام، ۱۳۸۲: ۱۰۴ - ۱۰۹). در دو سوی «ده موبد» و در دو نیم‌دایره بر گرد آتش، صفی از مردان جوان و پسران - در حالی که دستانشان بر شانه‌های یکدیگر است - ایستاده‌اند. آنگاه که ده موبد پس از هر نام صلا بر می‌آورد که «خدا بیامرزدهش!» یکی از این صف‌ها بانگ «هیرومبا»ی بلندی بر می‌آورد و هم‌زمان همچون موجی فروشکسته بر آتش تعظیم می‌کند. در نام دیگر بانگ «هیرومبا» به هم‌صدایی از سوی صف روبه‌رو بر می‌خیزد و این روند برای نامی پس از نام دیگر

ادامه می‌آید. ذکر نام گذشتگان، شعله و زبانه آتش عظیم و بانگ بلند به همراه تعظیم، «هیرومبا» را عمیقاً تأثیرگذار می‌کند (بویس، ۱۳۹۳: ۲۹، ۳۰).

از فردای آتش‌افروزی به مدت سه روز جشن است. بعد از غروب آفتاب جوانان به درب همه خانه‌های اهالی شریف‌آباد می‌روند. یکی از آن‌ها نام درگذشتگان آن خانه را می‌گوید و بقیه هیرومبا می‌گویند. سپس برای صاحبخانه اشعاری دعاگونه خوانده می‌شود که به گویش امروزی بهدینی است:

«مسیر، مسیر واز بُو/ اسب تازی کمر زرین بُو/ گنم انبار شما جی و ماجی / گنم و گمه، روزن و جو»^{۱۶}.

کدبانوی خانه بشقابی از آجیل شامل نخودچی و کشمش، پسته، مغز بادام و مانند آن را در چادرشبی - که یکی از افراد به کمر بسته - می‌ریزد و گروه راهی خانه‌ای دیگر می‌شود. پس از این بیشتر مردم به خانه کسی که چوب زده‌اند می‌روند و دوباره آن را چوب می‌زنند و خانواده آن جوان برای جلوگیری از این کار دوباره به همه شربت می‌دهد و جشن می‌گیرند. در بعدازظهر روز سوم، آجیل‌ها بین گروه تقسیم می‌شود. در غروب روز سوم دوباره به کنار نیایشگاه می‌روند و به همان ترتیب سه شب قبل، نام درگذشتگان را می‌خوانند و هیرومبا می‌گویند.

اهالی مزرعه کلانتر نیز پیش‌تر این مراسم را انجام می‌داده‌اند، این مراسم را با اندکی تفاوت در روستای اله‌آباد و نرسی‌آباد با نام «هییدوگ» و در روستای خرمشاه با نام «شاخ شاخ دُرون (دُرَبند)» برگزار می‌کرده‌اند (نیکنام، ۱۳۸۲: ۱۰۹).

۶ - ۲. هیرومبا و جشن سده

بنا بر نظر محققان، آیین هیرومبا همان جشن سده است. مری بویس جشن سده و هیرومبا را در واقع، جشن پاسداشت ریپئوین می‌داند. وی بر آن است که دو جشن سده داریم که دومین آن همین هیرومباست:

جشن زرتشتی دیگری نیز وجود دارد که تا به حال مغفول مانده است. یزد و روستاهای آن «سده» را در روز آبان از ماه بهمن برگزار نمی‌کنند. به عوض، آنان در روز اشتاد از ماه آذر جشن بزرگ آتشی در فضای

آیین هوربابا، بازمانده جشن‌های کهن هیرومبا و سده در میان... محمد مشهدی نوش آبادی

باز برگزار می‌کنند که باید آن را نظیر جشن سده کرمانی دانست (بویس، ۱۳۹۳: ۲۹).^{۱۷}

رضی و همکاران نیز هیرومبا را که اینک بهار ۲۴ تا ۲۶ فروردین برگزار می‌کنند، همان جشن سده می‌دانند (رضی، ۱۳۸۰: ۶۸۴؛ مزداپور، ۱۳۸۳: ۱۷۱) که تاریخ اصلی آن روز اشتاد از ماه بهمن قدیم تاریخ اصلی برگزاری آن بوده است و هیرومبا را که در واقع، آتش‌افروزی در زمستان است (همان، ۱۷۱).

۶ - ۳. مبانی اسطوره‌شناختی جشن سده و هیرومبا

قدیم‌ترین مأخذ در اشاره به جشن سده، آثار ابوریحان بیرونی است. وی در *آثارالباقیه* آورده است:

روز دهم بهمن روز آبان عید است که آن را سده گویند. دسته‌ای هم گفته‌اند در این روز جهنم از زمستان به دنیا بیرون می‌آید. از این رو آتش‌افروزد تا شر آن دفع گردد و تبخیر می‌کنند که مضرات آن برطرف کنند تا اینکه در خانه ملوک در این شب رسم شد که آتش بیفروزند (بیرونی، ۱۳۸۹: ۳۵۰، ۳۵۱).

همچنین، در *التفهیم* نیز به سده اشاره دارد: «در آبان روز است از بهمن ماه و آن روز دهم بود و اندر شبش که میان روز دهم است و میان روز یازدهم آتش‌ها زنده بگوز [جوز] و بادام و گرد برگرد آن شراب خورند و لهُو شادی کنند» (همان، ۱۳۵۳: ۲۵۷). دربارهٔ منطق آیینی جشن سده و هیرومبا پژوهشگران به‌طور عمده دو نظر دارند؛ برخی آن را با ایزد خورشید مربوط می‌دانند و برخی با ایزد ریشوین.

۶ - ۴. جشن سده و ریشوین

بویس جشن هیرومبا را به نقش ایزد ریشوین مربوط می‌داند. ریشوین (ریشوین، ریهوین) «ایزد موکل بر زمان آرمانی» است و جایگاه مهمی در متون و آیین‌های زرتشتی دارد. پیوند ایزد ریشوین با آتش، نور و گرما - که از مهم‌ترین رموز دین زرتشتی است - به‌روشنی در خویش‌کاری‌های این ایزد در هر دو جهان، گیتی و مینو، تجلی یافته است (گستاسب، ۱۳۹۰: ۳۲). در بندهش بیش از دیگر منابع زرتشتی به

رپیشوین اشاره شده است. بر اساس این متن رپیشوین در اصل، گاه نیم‌روز از وقت‌های پنج‌گاه روزانه و شبانه است و همچنین، نام ایزد نیم‌روز. پیش از گاه رپیشوین، صبحگاه و پس از آن عصرگاه، شامگاه و نیمه‌شب است؛ اما اول آبان‌ماه با پایان تابستان زرتشتی که زمستان زور می‌گیرد، رپیشوین به جهان زیرین می‌رود و گاه نیم‌روز از اوقات شبانه‌روز حذف و روز چهارگاه می‌شود و به زیرزمین می‌رود و گرما را به چشمه‌ها می‌فرستد تا ریشه درختان را گرم کند:

بدین روی، ماه دی، روز آذر، همه‌جا آتش افروزند و نشان کنند که زمستان آمد. بدان پنج‌ماه (که) آب چشمه همه گرم است؛ زیرا رپیشوین آنجا را (به) گرمی و خویندی دارد. گاه رپیشوین را نستایند. چون ماه فروردین، روز هرمزد شود، زمستان را نیرو و پادشائی کاهد، تابستان از بنکده خویش درآید، نیرو و پادشاهی پذیرد، رپیشوین از زیرزمین به فراز زمین آید و بر درختان را رساند. بدین روی در تابستان آب چشمه سرد است؛ زیرا رپیشوین آنجا نیست. در آن هفت ماه که گاه رپیشوین را بستایند، تابستان به همه زمین رسد (فرنغ دادگی، ۱۳۷۸: ۱۰۶).

تا پیش (از آن) که اهریمن آمد، همیشه نیم‌روز بود که رپیشوین است. اورمزد با (یاری) امشاسپندان، به رپیشوین (گاه)، مینوی یزشن را فراهم ساخت (همان، ۵۰). در پایان هستی و نابودی اهریمن نیز سوشیانت در نیم‌روز ظاهر می‌شود و هنگامی که آخرین یزشن در گاه رپیشوین سروده شود، رستاخیز کامل خواهد شد (زاد سپرم، ۱۳۶۶: ۱۰۲ - ۱۰۴؛ مقایسه شود با گشتاسب، ۱۳۹۰: ۲۷). در متون زرتشتی بر نیایش رپیشوین تأکید و برگزار نکردن نیایش رپیشوین را گناهی بزرگ قلمداد می‌کنند و آن را مستوجب مجازات در پل چنود می‌دانند (روایت پهلوی، ۱۳۶۷: ۱۹، ۲۰؛ صد در نثر و صد در بندهش، ۱۹۰۹: بخش ششم / ۶؛ زاد سپرم، ۱۳۶۶: ۶۶).

بویس بر آن است که روز اشتاد از ماه آذر، بازهم اگرچه خود مشخصاً مختص به آتش نیست، دقیقاً صدمین روز پیش از روز اورمزد از ماه فروردین و بازگشت رپیشوین است. بنابراین، محتمل است که دست‌کم تا قرون وسطی و به احتمال زیاد از گذشته‌های دورتر، دو جشن «سده» وجود داشته است که یکی در ماه آذر و ۱۰۰ روز پیش از رپیشوین برپای می‌شده است و دیگری در ماه بهمن

آیین هوربابا، بازمانده جشن‌های کهن هیرومبا و سده در میان... محمد مشهدی نوش آبادی

و ۱۰۰ روز پس از ریثوین. استقلال هر دوی این جشن‌ها از روز - ماه‌ها با این واقعیت آشکار می‌شود که آن جشنی که در آذرماه قرار دارد، به ادغام با جشن آتش آذر روز در ۱۷ روز پیش‌تر کشیده نشده و بر هویت واضحش پای فشرده است. بویس قدمت جشن سده و آیین هیرومبا را به پیش از عصر ساسانی و قبل از پذیرش تقویم ماه‌ها و روزها برمی‌گرداند؛ زیرا مراسم دینی این جشن به‌منزله یکی از ارکان دین در «نیرنگ ستان» و «هوسپارم نسک» مفقود از /وستا فهرست شده بوده‌اند، به‌علاوه اینکه، زاد سپرم که نمادپردازی رستاخیز جسمانی را در بازگشت بهار تفسیر می‌کند، بسیاری از مواد خود را از /وستا وام می‌گیرد. لذا، این جشن از نظر وی به زردشتی‌گری متقدم تعلق دارد (بویس، ۱۳۹۳: ۳۰).

۶ - ۵. جشن سده و خورشید

مهرداد بهار (۱۳۷۶: ۲۳۹ - ۲۴۱) ضمن ارائه بحثی زبان‌شناختی درباره‌ی واژه سده، این واژه را به‌معنای ظهور، آشکارایی و پیدایی می‌داند و بر آن است که این جشن چهل روز بعد از یلدا و جشن چهلم تولد خورشید است که دهم دی هم به‌منزله دهمین روز تولد آتش‌افروزی می‌شود. وی جشن سده را دارای بُنی زرتشتی نمی‌داند و با وجود قدیمی خواندن جشن سده بر آن است که این جشن از دوره‌ی اردشیر بابکان در اعداد اعیاد رسمی درآمده و در اعصار کهن زرتشتی رسمیتی نداشته است. وی این جشن را جشنی قدیمی از اعیاد بومی غیرآریایی می‌داند که بعدها وارد دین زرتشت شده است. به‌نظر می‌رسد که جمع میان دیدگاه بویس و بهار ممکن است؛ زیرا هر دو به قدمت این آیین حداقل تا زردشتی‌گری متقدم اعتقاد دارند. همچنین، مشابهت زیادی بین ریثوین به‌منزله‌ی ایزدگاه نیم‌روز و خورشید یا آفتاب وجود دارد. بویس هم بر این نکته تأکید دارد و افروختن آتش در فضای باز و خارج از آتشکده و در تاریکی شب را که در سده و هیرومبا انجام می‌شود، در پیوند با خویش‌کاری مهر در مقام خدای خورشید و برای پشتیبانی وی درنبرد بر ضد سرمای زمستان و تاریکی می‌داند (بویس، ۱۳۹۳: ۳۰).

۷. مشابهت‌های هوربابا (هومبابا) و هیرومبا

۷-۱. ساختار و شکل و زمان برگزاری دو آیین

اساساً و به‌طورکلی این آیین‌ها شکل و ساختار یکسان دارند و در هر دو، کودکان یا نوجوانان شامگاهان به‌صورت گروهی و دسته‌جمعی به در خانه اهالی شهر یا روستا می‌روند و سردهسته اشعار دعاگونه‌ای برای صاحبخانه یا برای یکی از وابستگان آن خانه می‌خوانند و بقیه کودکان با ندایی آن را تأیید می‌کنند و در پایان، صاحبخانه به آن‌ها هدیه‌ای می‌دهد. اگرچه آیین هیرومبا اجزا و عناصر متنوع‌تری دارد؛ اما این وجوه مشابهت کاملاً به‌چشم می‌خورد.

زمان برگزاری مراسم نیز بعد از غروب آفتاب و شب‌هنگام است. همان‌گونه که بیرونی و دیگر منابع تاریخی اشاره می‌کنند و چنان‌که امروز هم معمول است، جشن سده و هیرومبا در شب‌هنگام و پس از غروب آفتاب انجام می‌شود. درباره‌ی منطق این کار هم بویس معتقد است، برای آن است تا یاری‌گر خورشید باشند و در هنگامی که نور آن کم شده است، با افروختن آتش وی را یاری کنند. برگزاری آیین هوربابا و انواع مشابه آن نیز در شب نیمه‌ی ماه رمضان و پس از افول خورشید و شب‌هنگام انجام می‌شود.

۷-۲. مشابهت در نام

اگرچه برخی هیرومبا را به معنای یادکرد گذشتگان می‌دانند؛ اما معنای دقیق آن واژه نامعلوم است (بویس، ۱۳۹۳: ۲۹). درباره‌ی واژه هوربابای نوش‌آباد که در دیگر نقاط منطقه کاشان «هومبابا» تلفظ می‌شود نیز کم‌وبیش چنین ابهامی وجود دارد؛ اما با توجه به مشابهت‌های واژگانی و کاربرد یکسان آن در این دو آیین، می‌توان اصل این دو واژه را یکی دانست. در حوزه زرتشتی، نام این آیین هیرومباست، به اعتبار واژه‌ای که از سوی گروه در جواب طلب آمرزش هیربد گفته می‌شود، همچنان که نام هوربابا یا هومبابا نیز برگرفته از پاسخی است که کودکان در ندای سرگروه می‌دهند. درواقع، هر دو نام‌گذاری برگرفته از پاسخ هماهنگ و بلند گروه، به دعای سرگروه است.

آیین هوربابا، بازمانده جشن‌های کهن هیرومبا و سده در میان... محمد مشهدی نوش آبادی

نکته دیگر اینکه همچنان که در حوزه مسلمانی، آیین هومبابا با نام‌های دیگری چون «الم‌ترانی»، «گرگیغان»، «الله‌مضونی» و ... برگزار می‌شود، در حوزه زرتشتی نیز این آیین هیرومبا به نام‌هایی چون «هیبدوگ» و «شاخ شاخ دُرون (دُربند)» اجرا می‌شود.

۷-۳. استفاده از شعر مشترک

یکی از مشابهت‌های مهم بین آیین هیرومبا و هوربابا، در یکی از اشعار اصلی این دو آیین نهفته است. زرتشتیان به مناسبت اینکه باید برای آتش از صحرا و از خانه‌ها هیزم جمع‌آوری کنند، شعری مناسب با آن می‌خوانند: «شاخ، شاخ هرمنی / (ارمنی یا دُرون یا دُربند)، هر کی شاخی بدهد / خدا مرادش بدهد، هر کی شاخی ندهد / خدا مرادش ندهد» (نیکنام، ۱۳۸۲: ۹۷).

جالب است که تلفظ دقیق این واژه و همین‌طور پاره دوم این چامه نزد مسلمانان در جشن هوربابا حفظ شده است. چنان‌که سال‌ها قبل در کاشان بین اشعار هومبابایی این شعر از سوی سردسته این‌گونه خوانده می‌شده است: «این شاخ شاخ درمنه / کنده به شاخ درمنه، هر که در این را بده / علی نجاتش بده» (وکیلیان، ۱۳۷۰: ۲۰۴).

در شعر زرتشتیان واژه «ارمنی» به جای درمنه آمده است؛ اما درست آن باید «درمنه» باشد که نام گیاه خودرو و خوشبویی است که در اطراف شریف‌آباد و دیگر مناطق کویر مرکزی از جمله منطقه کاشان به سهولت یافت می‌شود. اینکه تلفظ دقیق این گیاه خوشبو در نزد زرتشتیان - که صورت اصلی آیین را برگزار می‌کنند - فراموش شده؛ اما در میان مسلمانان حفظ شده است، قرینه‌ای دیگر است بر دیرینگی آیین هوربابا.

تفاوت جالب دیگری که حاصل گرایش‌های اسلامی و شیعی در شعر هورباباست، استفاده از عبارت «علی مرادش بدهد!» به جای «خدا مرادش بدهد!» است. تلاشی در فرهنگ عامه شیعه که اهتمام می‌شود نام علی از دیگر نام‌های مقدس، برجسته‌تر باشد.

۷-۴. محتوای آیینی تولد و فراوانی محصول

وجه اصلی آیین‌های هیرومبا و هوربابا توجه به تولیدمثل و تولد نوزاد است. تولد نوزاد انسان مهم‌ترین وجه برکت‌بخشی است هم به جهت اهمیت کاربردی و هم به جهت

نمادین. این امر با توجه به ازدواج و نوزاد تازه متولدشده در این دو آیین تجلی می‌یابد. در دین زرتشتی خانواده و تولیدمثل با ارزش‌ترین کار است. در آیین هیرومبا تازه‌دامادها و کسانی که صاحب نوزاد شده‌اند، جایگاهی ویژه‌ای دارند. داماد به همراه عروس از بیابان هیزم جمع می‌کند و آن را برای آتش‌افروزی به شهر می‌آورد، آنگاه جوانان به در خانه داماد برای گرفتن هدیه می‌روند و اشعار هیرومبا را می‌خوانند. همچنین، داماد و صاحب تازه‌فرزند تنبیه آیینی می‌شوند. ضمن آنکه اشعار هیرومبا نیز به نماد آیین عروسی، یعنی اسب کمر زرین و فراوانی غلات در انبار همه مردم اشاره دارد. در هوربابا و انواع مشابه آن نیز خانواده و نوزاد تازه متولدشده، محل توجه است. در «الم‌ترانی» ساوه به در خانه‌های جوانانی که تازه عروسی کرده‌اند و یا نامزد دارند می‌روند. در استان بوشهر به در خانه‌هایی می‌روند که اولاد تازه متولدشده کم‌تر از یک سال دارند و همانند نوش‌آباد کاشان و روستای برز ایبانه نام بچه و ترجیحاً پسر خانه را می‌پرسند و برای او هوم‌بابا می‌خوانند. در اشعاری که در این آیین‌ها خوانده می‌شود، توجه زیادی به تولد نوزاد و ازدواج است. در خوزستان، خراسان، ساوه، جوشقان قالی کاشان و ایبانه نطنز نیز چنین رویکردی دیده می‌شود.

۷ - ۵. کودکان، محور آیین

آیین‌گزاران جشن هیرومبا و به‌طور عمده هوربابا و مشابه‌های آن، کودکان هستند. هم در شریف‌آباد و هم در نوش‌آباد و مناطق دیگر به‌طور عمده کودکان و نوجوانان محور آیین هستند. می‌دانیم که در آیین‌های برکت‌بخشی و طلب باران، کودکان نقش مهمی دارند. ممکن است در اینجا نیز جمع کودکان و نوجوانان که گرد هم آمده و در هر خانه‌ای چیزی از باب نذر طلب می‌کنند، منطق حاجت‌خواهی و برکت‌بخشی داشته باشد. در واقع، کنش آیینی کودکان معصوم و حاجت‌خواهی آنان که در این دو آیین حضور دارند، هویت کودکانه چشمگیری به آیین‌ها داده است.

۷ - ۶. هدایا

مشابهت دیگر در نوع هدایای این دو آیین است. در هیرومبا کدبانوی خانه بشقابی از آجیل شامل نخودچی، کشمش، پسته، مغز بادام و مانند آن به بچه‌ها می‌دهد. هدایای

آیین هوربابا، بازمانده جشن‌های کهن هیرومبا و سده در میان... محمد مشهدی نوش آبادی

هوربابا در گذشته بیشتر آجیل بوده است. اگرچه امروزه پول نقد به بچه‌ها می‌دهند؛ اما در گری‌گشوی بوشهر با تنقلات، آجیل و خشکبار و گندم برشته‌شده (در اصطلاح محلی «دنگ») از کودکان پذیرایی می‌کنند. در الله‌مضونی یزد، صاحبخانه‌ها هدایایی از قبیل پول و یا خوردنی‌هایی مثل گردو، کشمش، خرما، بادام، قیسی، هلو و زردآلوخشکه به بچه‌ها می‌دهند. معمولاً در مناطقی که آجیل و خشکبار و شیرینی می‌دهند، دسته به همراه خود کیسه‌ای دارد تا هدایا را در آن بریزند.

۷ - ۷. آتش

درست است که یکی از موضوعات مرکزی در آیین هیرومبا افروختن آتش است و ما امروزه با فقدان این عنصر در هوربابا روبه‌رو هستیم؛ اما نشانه‌هایی وجود دارد که در گذشته چنین رسمی وجود داشته است. یکی از این قراین همان شعر مشترک هیرومبا و هوربابا، یعنی «شاخ درمنه» است که مخصوص جمع‌آوری هیزم از منازل بوده و تا چند دهه پیش در آیین هوربابا در نوش‌آباد خوانده می‌شده است (وکیلیان، ۱۳۷۰: ۲۰۴). این شعر ممکن است مربوط به زمانی دور و یا نزدیک باشد که نشان‌دهنده نقش محوری آتش در آیین هورباباست.

نکته دیگر اشاره به خر (الاغ) در اشعار آیین‌های نیمه‌ماه رمضان است. در گنبد به صندوق‌دار، «ایشک» می‌گویند. در الم‌ترانی ساوه نیز به خر اشاره شده است. «یک خرکی خریدیم/ دم و گوشش بریده‌ایم/ هر چه می‌زنیم راه نمی‌ره» (وکیلیان، ۱۳۷۰: ۲۱۰). در اشعار «الله‌مضونی» یزد نیز به خر لنگ ماه رمضان اشاره شده است: «رمضون اومه از راه طیس/ خر لنگ داره و سربارش عدس؛ رمضون اومه از راه سخود/ خر لنگ داره سربارش نخود» (همان، ۲۱۱). اگرچه به‌نظر می‌رسد این امر صبغه طنز دارد؛ اما چون در چند مورد مشابه این واژه تکرار شده است، ممکن است به جنبه‌های دیرینه‌تر این آیین، یعنی زمان استفاده از الاغ برای حمل هیزم مربوط باشد.

همچنین، شاید مراسم آتش‌افروزی که در ۲۷ رمضان در روستای برز از توابع نطنز برگزار می‌شود، بازمانده‌ای از جشن‌های آتش باشد. بدین ترتیب که جوانان دو محله قلعه سرده و قلعه پایین ده از مدت‌ها پیش مخفیانه هیزمی را در کنار قلعه محله رقیب

آماده می‌کردند و در روز ۲۷ رمضان آن را آتش می‌زدند. هر کس زودتر این کار را در محله دیگری انجام می‌داد، پیروز مسابقه بود و سبب سرافکندگی محله رقیب می‌شد (اعظم واقفی، ۱۳۸۵: ۴/۳۵، ۳۶).

۸. نتیجه

هوربابا و آیین‌های مشابه آن - که در نقاط مختلف ایران در نیمه ماه رمضان برگزار می‌شود، آیینی ایرانی است که به عناصر برکت‌بخش و تولید و حاصل‌خیزی توجه دارد. حضور محوری کودکان در این آیین که در آیین‌های برکت‌بخش دیگر مانند آیین‌های طلب باران نیز دیده می‌شود، نیز مبین این امر است. تاکنون اطلاعاتی از چستی این آیین در دست نبود؛ اما با توضیح و تبیین ویژگی‌های اساسی هوربابا و مقایسه عناصر مشترک آن با هیرومبای زرتشتی معلوم شد که این دو آیین منشأ مشترک دارند. این عناصر عبارتند از ساختار و شکل یکسان، مشابهت در نام، شباهت محتوایی اشعار، استفاده از اشعار یکسان، خانه‌های مورد مراجعه، محوریت کودکان و نوع هدایا. درواقع، هوربابا بازمانده‌ای از آیین زرتشتی هیرومباست که به اقتضای فرهنگ اسلامی تعدیل و مختصر شده و یکی از محورهای مهم آن نیز، یعنی افروختن آتش، به فراخور آموزه‌های دین جدید به فراموشی سپرده شده است.

از طرفی بنا بر نظر محققان، هیرومبا همان جشن سده است که بین زرتشتیان یزد برگزار می‌شود که این هر دو جشن آتش‌افروزی برای گرم‌کردن زمین جهت بازگشت ریپتوین یزد نیم‌روزی است که بنا بر اساطیر زرتشتی در پنج ماه سرد سال به زیرزمین می‌رود تا ریشه‌های درختان را گرم نگه دارد و در هنگام بهار نیز به روی زمین می‌آید. با این اوصاف به نظر می‌رسد آیین هیرومبا که هنوز در خیلی از نقاط ایران برگزار می‌شود، بازمانده جشنی چندهزارساله است که به مرور زمان کوچک و مهجور شده است؛ اما هنوز بازتابی زنده از فرهنگ ایرانی - زرتشتی در صورتی ایرانی - اسلامی است.

آیین هوربابا، بازمانده جشن‌های کهن هیرومبا و سده در میان... محمد مشهدی نوش آبادی

پی‌نوشت‌ها

۱. نگارنده به اقتضای سن از حدود سال ۱۳۵۵ به هوربابایی می‌رفتیم؛ ابتدا همراه برادر بزرگ‌تر و سپس از حدود سال ۱۳۵۹ با هم‌سن‌وسال‌های خودم
۲. موضوع اشعاری که در یزد خوانده می‌شود، در اشاره به ماه رمضان است که با خر لنگ خود عدس و نخود و کاهو آورده است. (وکیلان، ۱۳۷۰: ۲۱۳ و ۲۴۱).
۳. این خانه از کیست که به سمت باد قرار دارد.
۴. ضخیم، ده شاهی .
۵. رمضان آمده میهمانش کنید گاو و گوساله را قربانش کنید، رمضان خدا، رمضان خوب و خوش‌نام خدا را میهمان کنید.
۶. از مالتان به من بدهید/ بدهید خدا به شما می‌دهد.
۷. قریعیان و قریعیان بین شعبان و رمضان/ حق خداوند را بدهید خداوند از شما راضی باشد/ به ما عیدی بدهید که خدا عیدی سفر مکه به شما بدهد -
۸. آمدم و آمدم/ در کیسه را بازکن و به ما عیدی و شیرینی بده
۹. ای افرادی که بالای پشت‌بام ایستاده‌اید، به ما عیدی می‌دهید یا برویم؟
۱۰. گرگیان و گرگیان خداوند به شما بچه عطا کند
۱۱. هیرومبا از ۲۰ سال گذشته تاکنون دگرگون شده، وانت‌ها جایگزین الاغ‌ها شده‌اند و دیگر بیشتر مردم با اتومبیل به پیر می‌روند تا با الاغ و پای پیاده؛ اما هنوز هم از الاغ استفاده می‌شود.
۱۲. در جشن سده هم رسم آوردن هیزم معمول بوده است، چنان‌که روستائینان خراسان در شب‌های یازدهم تا سیزدهم بهمن‌ماه به مناسبت فرا رسیدن جشن سده به شادی و رامش می‌پرداخته‌اند. چند روزی پیش از فرارسیدن جشن، روستائیان از خرد و کلان به کوه و صحرا می‌روند. پشته‌هایی از خار را جمع‌آوری می‌کردند و به وسیله چهارپایان و یا بر پشت خود حمل می‌کنند و به روستاها می‌رسانند. غروب روز دهم بهمن، ساکنان هر روستا بر بلندترین بام خانه‌های خود می‌روند و بوته‌های صحرائی را به شیوه خاصی روی هم می‌چینند (رضی، ۱۳۸۰: ۶۱۷ - ۶۱۸).
۱۳. اتاق‌های مخصوص زوار زیارتگاه.
۱۴. sirug نوعی نان روغنی.
۱۵. صبحانه.
۱۶. مسیر مسیر باد باشد/ اسب تازی کمرزین باشد/ گندم به انبار شما و ما باشد/ گندم و پنبه و روناس و جو.
۱۷. دِرِن‌دِرِ ارمنیان جشنی مشابه جشن سده و هیرومبا. «دِرِن‌دِرِ»، «دیراندرس»، «دیارند آراج» یا «تیانتاراج»، یکی از جشن‌های ارمنه است که طی آن همچون جشن سده آتش‌افروزی می‌کنند. طی این جشن خرمن‌های آتش می‌افروزند و نوعروسان و تازه‌دامادها از روی آن می‌پرند. این مراسم

که در چهاردهم فوریه (حدود ۲۵ بهمن‌ماه) انجام می‌شود، جنبه مذهبی و ملی دارد و همانند چهارشنبه‌سوری است؛ اما از لحاظ زمان، به جشن سده نزدیک است. به احتمال این جشن از رسومی است که در برخورد با ایرانیان، میان ارامنه باقی مانده است (رضی، ۱۳۸۰: ۶۲۱؛ قس، هویان، ۱۳۸۰: ۱۶۳).

درن دز مرکب از دو کلمه، «در der» به معنای بده، بپر، پرواز کن، جهش کن و «اند دز end dez» به معنی از روی آتش و بر روی شعله است. اغلب ارمنیان جهان، اقدام به برگزاری این جشن می‌کنند و آن را متعلق به چهلمین روز تولد عیسی مسیح می‌دانند. در این جشن مجمری بزرگ از آتش در کلیسا می‌گذارند به گرد آن پای‌کوبی و شادمانی می‌کنند و هنگام رفتن به خانه هر یک چوبی یا شمعی را با آن آتش افروخته همراه می‌برند و می‌کوشند که آن آتش خاموش نشود و با آن آتش خانوادگی ترتیب داده از روی آن می‌پرند و در حال خواندن سرودها و ترانه، به گرد آن می‌گردند. در روستاها، این مراسم با بازی‌های رزمی - ورزشی، چون تیراندازی نیز همراه است (رضی، ۱۳۸۰: ۵۹۷).

همچنین، در روستای فریدن، صبح روز سیزدهم فوریه، جوانان به صحرا می‌رفتند و مقدار زیادی بوته می‌آوردند و در حیاط کلیسا می‌انباشتند. بعدازظهر آن روز نوعروسان و تازه‌دامادها در معیت فامیل، طی مراسمی خاص، به برگزاری جشن دیارند آراج می‌پرداختند (هویان، ۱۳۸۶: ۳۸). رضی این آیین را قابل‌مقایسه با جشن سده و آتش‌افروزی زرتشتیان، و ایام پنج‌روزه آن را شبیه به ایام گاهنبار می‌داند (رضی، ۱۳۸۰: ۵۹۸ و ۵۹۷). این جشن، باشکوه فراوان در همه نقاط ارمنستان برپا می‌شود. بدین ترتیب که در حیاط کلیسا هیزم را به آتش می‌کشند و مردان تازه ازدواج‌کرده گرد آتش جمع می‌شوند، در حالی که هر کدام باید یک شمع روشن در دست داشته باشند. در این روز جوانان دختر و پسر از روی آتش می‌پرند. در این روز گندم برشته، کشمش و انواع شیرینی خورده می‌شود (آیوازیان، ۱۳۹۱: ۹۵).

این جشن با جشن سده و به‌ویژه هیرومبا شباهت زیاد دارد. آتش‌افروزی به‌منزله محور آیین، ارتباط این جشن با تازه‌دامادها و تازه‌عروسان، رفتن دسته‌جمعی به در خانه اهالی، پذیرایی از دسته از سوی صاحبخانه و خوردنی‌هایی مانند گندم برشته و کشمش و انواع شیرینی‌ها عناصری است که امروزه در جشن هیرومبا نیز مشاهده می‌شود.

منابع

- آیوازیان، کاریا (ترزیان) (۱۳۹۱). *اشتراکات اساطیری و باورها در منابع ایرانی و ارمنی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- احمدی، قاسم (۱۳۹۴). «گرگشو؛ آیین و همایشی بزرگ با مقبولیت اجتماعی بالا در بین مردم جنوب+گرگشو در کنگان». پایگاه خبری ثلاث، <http://salas.ir>

آیین هوربابا، بازمانده جشن‌های کهن هیرومبا و سده در میان... محمد مشهدی نوش آبادی

- اخوان، مرتضی (۱۳۷۳). *آداب و سنن اجتماعی فین کاشان*. کاشان: مؤلف.
- اعظم واقفی، سیدحسین (۱۳۸۵). *میراث فرهنگی نطنز (جلد ۴)*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۲). *رساله در تاریخ ادیان*. ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.
- باقرزاده، زهرا (۱۳۹۰). *مردم‌شناسی لبحر*. کاشان: همگام با هستی.
- بویس، مری (۱۳۹۳). «رپیتوین، نوروز و جشن سده». ترجمه حمیدرضا نیک‌روش. *بهارستان ایران*. ش ۲. صص ۱۷ - ۳۰.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۶). *جستاری چند در فرهنگ ایران*. تهران: آگه.
- بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد (۱۳۸۹). *آثارالباقیه*. ترجمه اکبر داناسرشت. تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۵۳). *التفهیم*. تصحیح و تعلیق جلال‌الدین همایی. تهران: انجمن آثار ملی.
- راشکی قلعه‌نو، علیرضا (۱۳۹۴). «نگاهی به آداب و رسوم مردم سیستان در ماه مبارک رمضان». پایگاه اینترنتی سازمان تبلیغات اسلامی، <http://ido.ir>
- رضی، هاشم (۱۳۸۰). *پژوهشی در گاه‌شماری و جشن‌های ایران باستان*. تهران: بهجت.
- *روایت پهلوی* (۱۳۶۷). ترجمه مهشید میرفخرایی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- *زادسپرم* (۱۳۶۶). *گزیده‌های زاد سپرم*. ترجمه محمدتقی راشد محصل. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- زرگری، رحمت‌الله (۱۳۷۴). *تاریخ، فرهنگ و هنر جوشقان قالی*. تهران: معینان.
- *صد در نشر و صد در بندهش* (۱۹۰۹). به اهتمام جیوانجی جمشید جی مؤدی. هند: بمبئی.
- فرنیغ دادگی (۱۳۷۸). *بندهش*. گزارش مهرداد بهار. تهران: توس.
- فریزر، جیمز جرج (۱۳۸۶). *شاخه زرین*. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: آگه.
- *مزداپور، کتابون* (۱۳۸۳). «تداوم آداب کهن در رسم‌های معاصر زرتشتیان در ایران». *فرهنگ*. د ۱. ش ۴۹ و ۵۰. صص ۱۴۷ - ۱۷۹.
- *گشتاسب، فرزانه* (۱۳۹۰). «گاه رپیتوین، زمان آرمانی در دین مزدیسنی». *زبان‌شناخت*. د ۲. ش ۲. صص ۲۵ - ۳۷.

سال ۷، شماره ۳۰، بهمن و اسفند ۱۳۹۸ - دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

- مشهدی نوش آبادی، محمد (۱۳۷۸). *نوش آباد در آینه تاریخ*. آثار تاریخی و فرهنگ. کاشان: مرسل.
- نوری کجوریان، علیرضا (۱۳۸۹). «یا رمضان، واگویه‌های عامیانه ترکمن‌ها برای استمرار برکت». خبرگزاری مهر. www.mehrnews.com.
- نیازی، یاشار (۱۳۹۷). «آیین "یارمضان" سال ۹۷ در محلات ترکمن‌نشین گنبد کاووس». <http://turkmensnews.com> ترکمن نیوز.
- نیازی، محسن (۱۳۸۷). *مردم‌شناسی آران و بیدگل*. تهران: ثامن الحجج، علم و دانش.
- نیکنام، کورش (۱۳۸۲). *از نوروز تا نوروز*. تهران: فروهر.
- وکیلان، احمد (۱۳۷۰). *رمضان در فرهنگ مردم*. تهران: سروش.
- هاشمی تبار، سید حسین (۱۳۷۵). *تاریخ بیدگل*. ج ۱. آباده: ارجمند.
- هویان، آندرانیک (۱۳۸۶). *آیین‌ها و مراسم سنتی ارمنیان ایران*. تهران: فضا.

Horbābā Ritual: The Ancient Hirombā and Sadeh Celebrations among Muslim Iranians

Mohammad Mashhadi Noush Abadi¹ *

1. Assistant Professor, Kashan University.

Received: 28/08/2019

Accepted: 22/01/2020

Abstract

The midnight of Ramezan in Nooshabad brings a ritual in the name of Horbaba, in which children are gone to the homes and pray for a child of the homeowner through hymn, and then receive gifts. The sample of this ritual is seen in many regions and provinces of Iran including Turkmen desert, Yazd, Kerman, Sistan, Bushehr, and Khuzestan. On the other side, a three-day joint celebration called Hirombā is held by Zoroastrians in which they collect firewood, set fire, read hymns with children and adolescents at the homes of residents, and then receive edible gifts. Hirombā has a significant similarity with Horbaba, in terms of the name, general structure, lyrics, content, and a blessing of children's focus. The fire which is common in the poem of Hirombā is also common in Horbaba. It seems that Horbaba's ritual, which is still held in many parts of Iran, is the remnant of the ancient Hirombā and Sadeh, and although it has become small and time-lapsed, it has been preserved through an Islamic structure. Researchers view Hirombā the same as Sadeh celebration. They associate the ritual with the sun and Yazata Rapithwin. This paper, based on the field studies and document analysis, aims to introduce Horbaba and its other examples in Iran and focus on its common elements with Zoroastrian Hirombā rituals and their mythical origins.

Keywords: Zoroastrian rituals; Horbaba; Hiromba; Sadeh; Noush Abad..

*Corresponding Author's E-mail: mmn5135@kashanu.ac.ir

